



Pathological Analysis of the Hadith of “The Ten Promised Paradise” [Asharah al-Mubashsharah]^۱

Muhammad Javad Eskandarlo^۲

Abstract

The *Hadith* of “The Ten Promised Paradise” [Asharah al-Mubashsharah] has been mentioned only in the sources of Sunni narrations. The Sunnis cite this *hadith* as a clear and solid argument to prove the legitimacy of “the Ten Promised Paradise” [Asharah al-Mubashsharah] and their being free from any mistake. Therefore, research in this field is very important to discover the truth. In the present research, the author has critiqued the documental chain and the content of the *hadith* with the descriptive and analytical method and has discussed it in five main axes: proving the deficiency of the *hadith* on behalf of documentation and content [mudhtarib], quarrels and conflicts among some of “the Ten Promised Paradise” [Asharah al-Mubashsharah], the celebrity of this *hadith* among the later narrators, the lack of characteristics of being paradise (in nine of them) and the explanation of their misconduct and improper performance, and based on the above-mentioned issues, the weakness and distortion of the *hadith* document, the anxiety of its text, and finally, the falsity of the said *hadith* have been proven.

Keywords: “The Ten Promised Paradise” [Asharah al-Mubashsharah], Documental Analysis, Content Analysis, Performance Dossier of “The Ten Promised Paradise” [Asharah al-Mubashsharah], Forged *Hadith*.

^۱. Date of Submit: ۸, November, ۲۰۲۰ and Date of Accept: ۳, March, ۲۰۲۱.

^۲. Associate Professor, Comparative Studies of Quran Faculty, Al-Mustafa International University; (mj_eskandarlo@miu.ac.ir).



تحلیل آسیب‌شناختی حدیث «عشره مبشره»*

محمدجواد اسکندرلو**

چکیده

حدیث «عشره مبشره» تنها در مصادر روایی اهل سنت مطرح شده است. سنیان به این حدیث به‌عنوان برهانی روشن و متین جهت اثبات حقانیت عشره مبشره و عاری بودن آنان از هرگونه لغزش استناد می‌کنند. بنابراین، پژوهش در این زمینه به منظور کشف حقیقت، از اهمیت فراوانی برخوردار است. نگارنده در پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی و تحلیلی به نقد و بررسی سندی و محتوایی حدیث پرداخته و در پنج محور اساسی بحث کرده است که عبارت‌اند از: اثبات مضطرب بودن این حدیث، نزاع و درگیری در میان برخی از عشره مبشره، شهرت متأخر حدیث، فقدان شاخصه‌های بهستی بودن در اکثریت آنان و تبیین سوءسابقه و عملکرد ناروای آنان و بر اساس مباحث عنوان شده، ضعف و مخدوش بودن سند حدیث، اضطراب متن آن و سرانجام، جعلی بودن حدیث یادشده اثبات گردیده است.

واژگان کلیدی: حدیث، عشره مبشره، تحلیل سندی، تحلیل محتوایی، حدیث جعلی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۸ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳.

** دانشیار گروه مطالعات تطبیقی قرآن، جامعه المصطفی العالمیه: (Mj_ eskandarlo@miu.ac.ir).



مقدمه

دانشمندان اهل سنت، در مصادر روایی خود، روایتی از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل نموده‌اند که «عشره مبشره» نامیده شده است؛ بدین معنا که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ده نفر خاص، مژده بهشت داده که عبارتند از: «ابوبکر و عمر و عثمان و علی و طلحه و زبیر و عبدالرحمان بن عوف و سعد و سعید و ابو عبیده بن جراح» (متقی هندی، ۱۹۸۹: ۳۶۳/۱۱، حاکم نیشابوری، ۱۳۴۴: ۳۵۸/۳، ابی داوود، بی‌تا، ۳۴۳/۴، ابن حیان، ۱۹۷۵: ۴۵۴/۱۵، البغوی، ۱۴۲۰: ۱۲۹/۱۴، ابن اثیر، ۱۳۹۳: ۵۵۷/۸).

سَنِّیان به این پنداره حدیث به صورت برهانی متین و معتبر، در راستای اثبات حقانیت و ولایت و عاری بودن آنان از لغزش و اشتباه می‌نگرند. به علاوه، از همین روایت به منظور فضیلت افرادی خاص بهره گرفته و به آن اعتماد و پافشاری می‌ورزند. از این روی پژوهش درباره صحت و سقم و اشکالات حدیث یادشده در کشف حقیقت، از اهمیت والا و ضرورت چشمگیری برخوردار است. با عنایت به این نکته که چنین حدیث مفروضی از نظر سندی و محتوایی، حاوی اشکالات و نابسامانی‌های متعددی از قبیل اضطراب متن حدیث، عدم اتصال سند و... می‌باشد، بطلان و عدم صدور آن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امری بدیهی است.

در پژوهش پیش روی، به مخدوش بودن سند روایت اشاره می‌شود ولی بیشترین تاکید بر اشکالات محتوایی و متنی آن - از رهگذر بررسی پرونده سوابق عملکرد هر یک از اعضای عشره مبشره - می‌باشد. البته تنها شخصیت مثبت و مقبول و معتبر در میان آنان امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام است که اساساً مقایسه و هم‌ردیف قراردادن آن امام همام در کنار صحابیان مختلف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امری ناروا است. چرا که آن بزرگوار از مقام عصمت و امامت لدنی برخوردار بوده و کوچکترین نقطه سیاه و زاویه انحرافی در افکار و اعمال و سیره آن حضرت مشاهده نشده است.

اما سایر افراد نه‌گانه‌ای که در پنداره حدیث «عشره مبشره» نام برده شده‌اند واجد اقداماتی هستند که در این پژوهش به گونه اختصار مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مرحوم شیخ مفید درباره این حدیث در کتاب «الافصاح» مطالبی مطرح نموده و متعرض ایرادات آن شده است. در کتاب نفیس بحار الانوار (۱۹۷/۳۲) نیز نکات قابل توجهی توسط علامه مجلسی (ره) ذکر شده است. علامه امینی در «الغدیر» (۶۹/۱۰) و میرحامد در کتاب «عقب‌ات الانوار فی امامة



الائمة الاطهار» (۱۱۴/۱۳) و دکتر محمد تیجانی در اثر گرانددرش تحت عنوان «فستلوا اهل الذکر» (۲۷۷) در این باره بحث کرده است.

اما آثار نوینی که اخیراً در این باب به عرصه پژوهش افزود گردیده در ذیل گزارش می شود:

۱. مقاله «الصحف المنشرة فی بطلان حدیث العشرة المبشرة»، اثر الحسینی آل المجدد، السید حسن، مجله «تراثنا»، محرم - جمادی الثانیه، ۱۴۱۶. نویسنده گرامی در این مقاله گسترده که در قالب شصت صفحه در مجله «تراثنا» ارائه شده است بر اساس مدارک و منابع فریقین، جعلی بودن حدیث مورد بحث را اثبات نموده است.

۲. مقاله پنداره «عشره مبشره» نشانه رابطه سیاست و جعل حدیث. نوشته راد، علی، حسینی، سید مهدی، مجله علوم حدیث، پاییز ۱۳۹۳، ش ۷۳. در این اثر مولف محترم با تکیه بر مباحث اساسی تاریخ گذاری و گفتمان صدور، تعدد صدور یا نقل، اسناد روایت، عدم ذکر نامی از صحابه ممتاز در عشره مبشره، تبیین نظریه خلافت، و فراسوی جعل عشره مبشره، به این نتیجه دست یافته که جعل عمدی «عشره مبشره» به منظور بهره برداری های سیاسی مدرسه خلفا در تثبیت نظریه خلافت در تقابل با نظریه نص در مدرسه اهل بیت علیهم السلام کاملاً روشن و آشکار است.

۳. مقاله حدیث «عشره مبشره» یا استفاده های سیاسی از روایت، اثر یازگی، مایا، ترجمه حسینی، سید مهدی، مجله «حدیث حوزه»، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش ۸. در این اثر محورهای اساسی بررسی شده عبارت اند از: تبیین چگونگی انتخاب جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، مبنای گزینش جانشینان آن حضرت، بیان گونه های مختلف حدیث و بررسی سندی و متنی آن، اثبات ساختگی بودن حدیث یاد شده با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی.

۴. پایان نامه کارشناسی ارشد آقای رامیل عظیم اوف، تحت عنوان «بررسی حدیث عشره مبشره از منظر فریقین»، استاد راهنما: محمود احمدی، جامعه المصطفی، ۱۳۹۰، در این پایان نامه سند حدیث عشره مبشره و متن آن از نگاه علم الدرایه مورد بررسی قرار گرفته است و بر اساس تلقی عالمان فریقین، از حدیث یاد شده بطلان آن ثابت شده است.

۵. پایان نامه کارشناسی ارشد خانم عصمت جلالی، تحت عنوان «بررسی و ارزیابی سندی و متنی حدیث عشره مبشره و عوامل شهرت آن» با راهنمایی استاد پرویز رستگار جزئی، دانشگاه کاشان، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۹۱. در این پایان نامه، افزون بر اینکه افراد یاد شده در زنجیره سند حدیث مورد بررسی قرار گرفته و ضعف و عدم وثاقت آن ها به اثبات رسیده، بر اساس ناسازگاری متن و عدم



انسجام محتویات آن، عدم صدور حدیث یادشده از رسول اکرم ﷺ استنتاج شده است. علاوه بر اینکه علل و عوامل مشهور شدن و رواج چنین حدیث معلوم الحالی تبیین گردیده است. شایان توجه است که در بسیاری از آثار فوق‌الذکر نگاه و نگرش نویسندگان جنبه تطبیقی داشته یعنی با تکیه بر اقوال و دیدگاه‌های عالمان فریقین و یا نقل آراء برخی از خاورشناسان، به ردّ و ابطال حدیث عشره مبشره اقدام گردیده است و حال آنکه در پژوهش پیش روی، علاوه بر ارائه ساختار جدید و مستندات بیشتر صرفاً بر اساس منابع و مصادر اهل سنت، حدیث‌نمای «عشره مبشره» مورد آسیب‌شناسی قرار گرفته و از نشانه‌های کذب و جعلی بودن آن پرده برداری شده است.

الف. ردیابی حدیث در منابع عامه

در کتاب‌های حدیثی، کلامی، تراجم و تفاسیر اهل سنت حدیث‌نمای «عشره مبشره» قابل ردیابی است؛

۱. منابع حدیثی اهل سنت

عبدالله بن زبیر حمیدی در «مسند حمیدی» ذیل احادیث سعید بن زید از زبان خود سعید بن زید از نبی مکرم اسلام ﷺ روایت می‌کند که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «ده نفر از قریش در بهشت اند؛ من در بهشتم و ابوبکر در بهشت است و عمر در بهشت است و عثمان، علی، زبیر و طلحه، عبدالرحمن بن عوف و سعد بن ابی‌وقاص در بهشتند». سپس سکوت می‌کند؛ پس می‌پرسند دهمی کیست؟ میگوید: منم (حمیدی، بی تا، ۴۵/۸۴).

احمد بن حنبل در کتاب «مسند» ذیل مسند سعید بن زید حدیث عشره مبشره را با بردن نام ده نفر از ریاح بن حارث نقل می‌کند و سعید بن زید را نهمین و حضرت رسول ﷺ را دهمین نفر بر می‌شمرد و همچنین ذیل حدیث عبدالرحمان بن عوف از عبدالرحمان بن حمید از پدرش از عبدالرحمن بن عوف روایت مذکور را می‌آورد، با این تفاوت که به جای نبی اکرم ﷺ، ابوعبیده بن جراح را دهمین نفر از عشره مبشره نام می‌برد (ابن حنبل، ۱۴۲۶: ۲۱۰ - ۳۱۵). احمد در کتاب «فضائل الصحابه» نیز روایت عشره مبشره را در دو سند از عبدالرحمان بن حمید و ریاح بن حارث، از سعید بن زید نقل کرده است (ابن حنبل، ۱۴۰۳: ۱۱۴ - ۲۰۴).



ترمذی در بخش مناقب عبدالرحمان بن عوف از کتاب «سنن» خود، از عبدالرحمان بن حمید با دو واسطه سعید بن زید و عبدالرحمان عوف حدیث عشره را با برشمردن ابوبکر تا ابوعبیده بن جراح نقل کرده است (ترمذی، ۱۳۹۵: ۶۴۴/۵ و ۶۴۷).

ابوداود در کتاب «سنن» در باب خلفا از عبدالرحمان بن احنس روایت عشره را از سعید همانند متن مسند احمد گزارش کرده است، با این تفاوت که در این گزارش از سعید به عنوان دهمین نفر از عشره مبشره نام برده شده است (ابوداود، ۱۴۱۵: ۴۰۱/۸ و ۴۰۲).

نسایی در «فضائل الصحابه» ذیل فضائل سعید با واسطه ریاح بن حارث و در فضائل ابوعبیده از طریق عبدالرحمان بن حمید از دو طریق پدرش و سعید از ابوبکر تا ابوعبیده را ده بهشتی میداند. همچنین آنها در فضائل عبدالرحمان و فضائل زبیر از عبدالرحمان بن احنس روایت کرده است، با این تفاوت که در فضائل عبدالرحمان از ابوبکر تا سعید را ذکر کرده و دهمین فرد را پیامبر دانسته است. در صورتی که در فضایل زبیر، ابوعبیده را به جای نبی مکرم اسلام ﷺ جزء «عشره من قریش فی الجنه» ذکر کرده است. نسایی نیز در فضائل سعد بن مالک از ریاح بن حارث حدیث نامبرده را ذکر نموده است. (نسائی، بی تا، ص ۲۸ - ۳۵) وی در دیگر اثرش «السنن الکبری» در مناقب سعید بن زید از ریاح بن حارث و همچنین در مناقب ابوعبیده بن جراح از عبدالرحمان بن حمید و سعید بن زید این حدیث را ذکر کرده است. (نسائی، ۱۴۱۱: ۵۵/۵ و ۵۶)

ابن ابی عاصم در کتاب «السنة» در «فضائل العشره» از طریق عبدالرحمان بن احنس از سعید از طریق سه حدیث دو بار بدون نام ابوعبیده و یکبار با ذکر نام ابوعبیده افراد عشره را نام می برد. ابن ابی عاصم حدیث مورد نظر را از یزید بن حارث، ریاح بن حارث و حمید بن عبدالرحمن از سعید، ذکر می کند (شیبانی، ۱۴۱۳: ۶۱۹ و ۶۲۰).

خیثمه بن سلیمان در حدیث خیثمه با سند ریاح بن حارث حدیث عشره فی الجنه را از زبان رسول خدا ﷺ با برشمردن حضرت رسول تا سعد بن ابی وقاص نقل کرده است (طرابلسی، بی تا، ۹۳).

ابن حبان در «صحيح ابن حبان» در ذکر سعید بن زید از طریق عبدالرحمان بن احنس و همچنین در «ذکر اثبات الجنة لعبدالرحمن ابن عوف» از عبدالله بن ظالم و در «ذکر اثبات الجنة لابی عبیده» با سند عبدالرحمن ابن عوف روایت مذکور را آورده است (ابن حبان، ۱۴۰۷: ۴۵۴/۹ - ۴۵۹).

طبرانی در «المعجم الصغیر» به نقل از حبیب بن ابی ثابت از عبدالله بن عمر از پیامبر، ابوبکر تا ابوعبیده را به عنوان عشره من قریش روایت کرده است. (طبرانی، بی تا، ۲۹/۱) وی در کتاب دیگرش



المعجم الاوسط با استناد به همین سند و نیز سند دیگری از زیاد بن علاقه از سعید بن زید مانند عبدالرحمان بن اخنس این حدیث را آورده است (طبرانی، ۱۴۲۰: ۲۱۵/۳).

ابویعلی موصلی در مسند ابی یعلی از طریق عبدالرحمان بن عوف حدیث مذکور را با مضمون «عشره فی الجنة» و با نام بردن از ابوبکر تا ابوعمیه آورده است (ابی یعلی، بی تا، ۲۵۲/۲).

حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین با استناد به دو سند این حدیث را گزارش می‌کند؛ سند اول از عبدالرحمان بن حمید به نقل از سعید، ابوبکر تا ابوعمیه را ذکر می‌کند و در سند دوم از عبدالله بن ظالم و باز به نقل از سعید، ابوبکر را از بشارت داده شدگان و به جای ابوعمیه، عبدالله بن مسعود را دهمین شخص معرفی می‌کند. (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۷: ۳۸۸۳ و ۵۲۰).

۲. کتب تراجم

کتب تراجم اهل سنت که حدیث مذکور در آنها آمده است از این قرار است؛ ابن جوزی در «صفه الصفوه» در مناقب سعید بن زید، (ابن جوزی، ۱۴۱۳: ۱۵۳/۱)، ابن منظور در کتاب مختصر تاریخ دمشق در ترجمه سعد بن ابی وقاص (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۹۸/۱۱ - ۲۷۰)، ابن سعد در کتاب الطبقات الکبری، (ابن سعد، ۱۴۰۵: ۳۸۳/۳)، ابونعیم اصفهانی در کتاب «معرفه الصحابه» باب «معرفه العشره المشهود لهم بالجنة» (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۹: ح ۴۹) و کتاب دیگرش «حلیه الاولیاء» (ابونعیم اصفهانی، بی تا، ۹۵/۱ و ۹۶)، ابن اثیر در اسد الغابه در ترجمه سعید بن زید (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۲۲۶/۲)، ذهبی در دو کتاب تاریخ الاسلام (ذهبی، ۱۴۰۷: ۲۲۳/۳ و ۲۲۴) و سیر اعلام النبلاء در ترجمه سعد بن ابی وقاص (ذهبی، ۱۴۰۰: ۱۰۳/۱) حدیث عشره مبشره را آورده اند.

۳. کتب کلامی

در منابع کلامی اهل سنت، زبیدی در «اتحاف الساده المتقین بشرح احیاء علوم الدین»، (زبیدی، بی تا، ۲۸۰/۹)، ابن حجر در «الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل الرافض و الضلال و الزندقه» (ابن حجر، ۱۴۱۷: ۲۲۵/۱) و نعمان بن محمود آلوسی در «جلاء العینین» (حقی بروسوی، بی تا، ۲۰۵/۴ - ۳۳۸) به ذکر حدیث عشره مبشره پرداخته اند.

۴. کتب تفسیری

در منابع تفسیری اهل سنت اسفراینی در تفسیر «تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم» حدیث عشره مبشره را آورده است. (اسفراینی، ۱۳۷۵: ۱۵ - ۱۹)، حقی بروسوی در تفسیر روح البیان عبدالله



بن سلام را یکی از عشره شمرده است. (حقی بروسوی، بی تا، ۲۰۵/۴ - ۳۸۸)، آلوسی در تفسیر روح البیان فی تفسیر القرآن العظیم امام علی علیه السلام و افراد دیگری را در زمره عشره مبشره نام برده است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۹۲/۹). فخر الدین رازی در تفسیر مفاتیح الغیب اصطلاح عشره مبشره را در مورد اصحاب جمل استفاده کرده است (رازی، ۱۴۲۰: ۳۵۵)، نیشابوری در تفسیر «غرائب القرآن و رغائب الفرقان» حدیث عشره مبشره را ذیل مباحث تاویل و تفسیر آورده است (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۳۳۶/۱؛ ۱۶۷/۴) و مظهري در تفسیر المظهري «عشره مبشره» را از مصادیق «السابقون الاولون من المهاجرین و الانصار» برشمرده است (مظهري، ۱۴۱۲: ۳۵/۹).

ب. نقد سندی و محتوایی

۱. نقد سندی

پیش از پرداختن به نقد محتوایی حدیث نمای «عشره مبشره» در ابتدا به اختصار اشکالات سندی آن مورد اشاره قرار می‌گیرد:

یک. آن گونه که در سنن ترمذی و مسند احمد بن حنبل آمده است، حمید بن عبدالرحمان چنین روایت کرده است: «من از پدرم و او از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله حدیث عشره مبشره را نقل نموده است» (الترمذی، ۲۰۰۰: ۳۱۱/۵، احمد بن حنبل، ۱۹۸۳، ۱۱۴/۱) در حالی که حمید بن عبدالرحمن اصلاً صحابی نبود بلکه از تابعین بوده و در نتیجه نمی‌تواند عبدالرحمان عوف را درک کند، چرا که حمید بن عبدالرحمان در سال ۳۲ق متولد شد (ر.ک: ابن حجر، ۱۴۰۴: ۴۰/۳) والد وی در همین سال یا سال ۳۳ از دنیا رفت. پس این اسناد، صحیح نیست (ابن حجر، ۱۴۰۴: ۲۲۲/۶).

دو. در این سند فردی به نام «عبدالعزیز بن محمد درآوردی» دیده می‌شود که در حدیث، قوی نبوده و سخنانش قابل استناد نیست (ذهبی ۱۹۹۹: ۶۳۴/۲، ابن حجر، ۱۴۰۴: ۴۷۱/۳).

سه. اکثر طرق حدیث، منقول از سعید بن زید است که در سنن ابی داوود (ابو داوود، بی تا، ۴۰۱/۲) در سند این روایت، شخصی به نام عبدالله بن ظالم است که بخاری و مسلم، حدیث او را صحیح نمی‌دانستند و به آن احتجاج نمی‌کردند (حاکم نیشابوری، ۱۳۴۴: ۳۱۶/۳ - ۳۱۷) و به همین دلیل حدیث عشره المبشره را در کتب صحیح خود ذکر نکرده‌اند.

چهار. شخص دیگری که ثقة و اعتماد پذیر نیست در این سند مشاهده می‌گردد و او عبدالله بن زیاد عبدی بصری است (ذهبی ۱۹۹۹: ۲۵۸/۱) بدیهی است که وجود اینگونه افراد ضعیف در زنجیره



سند حدیث، بر میزان ضعف سندی می‌افزاید.

پنج. هشام بن عمار در سنن ابن ماجه (ابن ماجه، بی‌تا، ۴۸/۱) به چشم می‌خورد و بیشتر احادیث وی بی‌پایه و اساس است (ابن حجر، ۱۴۰۴، ۳۷/۶) هشام بن عمار احادیث موضوعه را از ابوهریره، نقل می‌کرد (الإصبهانی، ۱۴۱۹: ۶۷/۱)

شش. در «المعجم الأوسط» (طبرانی، ۱۴۱۵: ۲۹۰/۲) در سندش شخصی تحت عنوان «ولید بن عبدالله بن جمیع زهری» ذکر شده که از نظر ابن حبان، او در زمره راویان ضعیف مطرح شده و غیرقابل اعتماد است (حجر، ۱۴۰۴: ۱۱/۱۲۲).

هفت. اکثر اسناد حدیث عشره مبشره، بخاطر اشتغال بر روایت ضعیف و عدم اتصال سند، قابل اعتماد نیستند (ابن حجر، ۱۴۰۴: ۴۰/۳، احمد بن حنبل، ۱۹۸۳: ۱۹۳/۳، ابی داوود، بی‌تا، ۴/۶۰۵).

۲. نقد محتوایی

حدیث‌نمای «عشره مبشره» علاوه بر اشکالات سندی مذکور؛ به لحاظ متن و محتوا نیز حاوی ایرادات و معایب زیادی است که در ذیل به ذکر پنج مورد آن‌ها بسنده می‌شود:

یک. اضطراب روایات «عشره مبشره»

پنداره «عشره مبشره» از لحاظ متن نیز دارای اضطراب است، چراکه در برخی از اقوال، ابوعبیده بن جراح، یکی از ده نفر بشارت داده شده قلمداد گردیده است. (الترمذی، ۲۰۰۰: ۳۶۰/۱۳، ابن اثیر، ۱۳۹۳، ۵۵۷/۸، طبرانی، ۱۴۱۵: ۳۵۱/۲، ابن حبان، ۱۹۷۵: ۴۶۳/۱۵) در برخی از آن‌ها به ابن مسعود بشارت داده شده است (حاکم نیشابوری، ۱۳۴۴: ۳۵۸/۳)

در نقلی دیگر نام هیچ یک از این دو شخص نیست و به جای آن‌ها نام پیامبر اکرم ﷺ مشاهده می‌شود. (ابی داود، بی‌تا، ۳۴۳/۴، ابن ماجه، بی‌تا، ۴۸/۱، ابن حبان، ۱۹۷۵: ۴۵۴/۱۵) این روش با سیاق احادیث نبوی سازگار نیست. (ترمذی، ۲۰۰۰: ۳۱۵/۵ - ۳۱۶، ابی داود، بی‌تا، ۲۱۱/۴ - ۲۱۲) و اساساً بهشتی بودن پیامبر اکرم ﷺ با توجه به ادله قرآنی و عقلی برای مخاطبان امری روشن بوده است. این سبک پردازش متن، بیشتر به سبک قصه پردازان شبیه تر است.

می‌دانیم که حدیث مضطرب، حدیثی است که روایت‌های زیادی دارد و تعداد روایاتش متساوی و متعادل است به‌گونه‌ای که ترجیح یکی از آن‌ها بر دیگر روایات، امکان ناپذیر است. گاه یک روایت حدیث را دو بار یا بیشتر روایت می‌کند، یا دو روایت یا روایان بیشتر آن را روایت می‌کنند. (سیوطی، ۱۳۰۷: ۹۳) اضطراب غالباً در سند است، اما گاهی ممکن است اضطراب در متن باشد، لیکن



محدثان به ندرت حدیثی را مضطرب در متن عنوان کرده‌اند، مگر اینکه در سند نیز مضطرب باشد (ابن حجر، ۱۳۵۲: ۲۲).

مجرد اضطراب در سند خود نشانه ضعف است چراکه تصاویر روایات از نظر درجه صحت و عدم تعارض آن‌ها موجب می‌گردد که درباره آن‌ها نتوانیم حکم کنیم، گویا تساوی آن‌ها در صحت برابر است با تساوی آن‌ها در ضعف؛ چون مرجعی وجود ندارد که یکی از آن روایات را بپذیریم و سایر روایات را کنار بگذاریم.

شایان ذکر است که صور مختلف با مثال در کتاب توضیح الافکار، موجود است (ابن اسماعیل الصنعانی، ۱۳۶۶: ۳۸/۲ - ۴۷) حالت وخیم و اضطرابی حدیث عشره مبشره بدان جهت است که علاوه بر اضطراب در سند، واجد اضطراب متنی نیز می‌باشد.

دو. اختلاف و نزاع میان «عشره مبشره»

میان این ده نفر که به بهشت مژده داده شده‌اند، اختلاف‌ها، تضادها و جنگ‌هایی در گرفته و به سخن دیگر به نزاع و کشمکش با یکدیگر پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه، طلحه و زبیر با خلیفه وقت (علی علیه السلام) بیعت شکنی کرده و به روی حضرت شمشیر کشیدند و زبیر در این جنگ کشته شد. (طبری، ۱۹۵۳: ۴۰۵/۴، یعقوبی، ۱۴۲۵: ۱۸۰/۱) حال چگونگی ممکن است طلحه و زبیر در جوار امیر مومنان علی علیه السلام در بهشت برین باشند. سعد بن ابی وقاص نیز از کسانی بود که در دوران خلافت علی علیه السلام از اوامر آن حضرت سرپیچی نموده و در جنگ صفین از امام علی علیه السلام حمایت نکرد. آیا چنین شخصی می‌تواند هم جوار علی علیه السلام در بهشت باشد؟

سه. شهرت متأخر حدیث‌نمای مذکور

لازم به ذکر است که هر حدیث مشهوری صحیح و معتبر نیست. احادیث مشهور و نیز مستفیض گاهی حسن یا ضعیف‌اند، گاهی حتی باطل و موضوع‌اند. حاکم در این باره می‌نویسد: «احادیث مشهور غیر از احادیث صحیح است و بسا حدیث مشهوری که صحیح به حساب نیاید» (الحاکم النیسابوری، ۱۹۳۷: ۹۲).

سیوطی احادیث مشهور فراوانی را مثال می‌زند که نه تنها ضعیف‌اند بلکه باطل هستند چون بعضی از آن‌ها مرفوع، بعضی موقوف و مقطوع‌اند و بیشتر آن‌ها بر زبان مردم عوام شایع است، از قبیل حدیث: «یوم صومکم یوم نحرکم» و «كنت کنزاً لا اعرف» و «الباذنجان لما أكل له» (سیوطی، ۱۳۰۷: ۱۸۹).

از بارزترین مصادیق حدیث مشهوری که فاقد اعتبار می‌باشد حدیثی است که شهرت آن تاخیر در



ثبت و نقل داشته باشد. قرینه روشنی هست که شهرت حدیث عشره مبشره از مفهوم «ده صحابه منتخب» در اخبار اسلامی، بعدها توسعه یافته است. گرچه این توسعه، بر آثاری همچون از «السنن» و «الطبقات» نزدیک به قرن نهم، اثرگذار بوده است. زمانی که تغییر و دگرگونی رخدادها در قرن یازدهم آغاز شد، زمان آن بود که این موضوع در نحوه نوشته‌ها اهمیت زیادی یابد. در کتب طبقات، به‌ویژه در تراجم مترفی هر کدام از ده نفر ذکر شده در حدیث عشره مبشره را آغاز کردند، با این توصیف که به آن‌ها بشارت بهشت داده شده است و آنان همان عشره مبشره هستند. و آشکارا این دگرگونی سیر وقایع از زمانی بود که نقل سعید بن زید از حدیث مذکور، نسبت به نقل‌های دیگر این حدیث، از اولویت برخوردار می‌شد. از سده دوازدهم به بعد کتاب مستقلی به موضوع «فضایل عشره» یا «پاکدامنی ده تن» اختصاص یافت. و در جایگاه موضوعی مردم‌پسند در نگاشته‌های مذهبی متاخر اهل سنت باقی ماند (بداوی، قرانی طلب، ۱۹۸۴م). دقیقاً در این برهه زمانی است که ریشه‌های جعل در توضیح اهمیت این گروه و غنی‌سازی پایه‌ها و زمینه‌های آن‌ها در آثار حدیثی پدیدار می‌گردد (طبری، ۱۹۵۳: ۲۹/۱).

چهار. فقدان شاخصه‌های بهشتی بودن در نه تن از عشره مبشره

بررسی عملکرد نادرست اکثریت قریب به اتفاق افراد مذکور در حدیث‌نمای عشره مبشره، نشان می‌دهد که به غیر از امام علی علیه السلام، اعمال و رفتارهای آن‌ها نه تنها سنخیتی با خصوصیات اهل بهشتی که در قرآن و احادیث نبوی آمده ندارد، بلکه کاملاً ضد و برعکس است؛ برخی از آن‌ها در مقابل نص قرآن اجتهاد کردند و احکام الهی را طبق میل خودشان تفسیر کردند تا جایی که حتی مورد لعن پیامبر ﷺ قرار گرفتند (حلبی شافعی، ۲۰۷/۳ - ۲۰۸؛ ابن اثیر، ۱۹۹۸: ۴۹/۲؛ مسلم، ۲۲۶ و ۳۱۶). برخی از این ۹ نفر افراد فحاش و ناسزادهنده به دختر رسول خدا ﷺ و دیگر صحابه پیامبر مانند عمار یاسر بودند که نام آن‌ها در منابع حدیثی و تاریخی ثبت شده است. (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۲۱۴/۱۶؛ بلاذری، ۴۵/۵؛ یعقوبی، ۱۵۰/۲) عده‌ای از این افراد نام برده در حدیث عشره مبشره علیه خلیفه پیامبر خروج کردند و جنگ بزرگ با پیامدهای شوم بر جا گذاشتند و بسیاری از مسلمانان بی‌گناه را به کشتن دادند، مانند طلحه و زبیر (ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ۱۱۰/۲)، علاوه بر اینکه طلحه که یکی از بشارت یافتگان به بهشت است، در مذمت او آیه‌ای نازل شده که با برخی اعمال خود رسول خدا ﷺ را اذیت نکند (احزاب: ۵۳) و برخی از این افراد مانند ابو عبیده بن جراح از جمله عاملان اختلاف بزرگ سقیفه است که مسلمانان تا به حال درگیر درگیر این اختلاف



هستند. (یعقوبی، ۱۴۲۵: ۱۰۳/۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۲۹۱/۶)، برخی دیگر از این افراد با این که حق دیدند و حتی اقرار کردند به خاطر کینه‌های قومی و قبیله‌ای از حق رویگردان شدند، مانند سعد بن ابی وقاص که از او در کتب اهل سنت و روایاتی درباره حقانیت و فضایل امام علی علیه السلام نقل شده و خودش نیز در گفتگویی با امام علی علیه السلام به آن اقرار می‌کند ولی با این حال از بیعت حضرت خودداری می‌کند. (محمد عبده، بی تا، ۳۴/۱؛ ابن اعثم، بی تا، ۲۵۸/۲)

همچنین اوصاف و رفتارهای بسیاری از افراد موجود در حدیث عشره مبشره، با معیارهایی که قرآن و احادیث نبوی برای بهشتیان تعیین کردند نمی‌سازد، ابتدا مهم‌ترین ویژگی‌ها و نشانه‌های اهل بهشت را بر اساس روایات اسلامی ذکر کرده و سپس عملکرد افراد نه گانه در حدیث مورد بحث را بررسی خواهیم نمود:

ویژگی ایمان: قال رسول الله ﷺ: «لا يدخل الجنة الا المومنون» (احمد بن حنبل، ۱۳۰۷: ۲۰۲/۱)
اطاعت از رسول الله ﷺ: «انّ النبی قال: کلّ اُمّتی یدخل الجنة یوم القیامه الا من اُبی قالوا ومن یأبی رسول الله قال من اطاعنی دخل الجنة و من عصانی فقد اُبی» (احمد بن حنبل، ۱۳۰۷: ۴۱۵/۱۷).
رعایت قسط و عدل: «حدثنا احمد قال: ناسریج بن یونس قال: ابو حفص الأبار، عن محمد بن حجاره، عن عطیه، عن ابی سعید قال: قال رسول الله ﷺ: «أشدّ الناس عذابا یوم القیامه إمام جائر» (طبرانی، ۱۴۱۵: ۱۱۵/۴).

ایمن بودن مردم از ناحیه او: قال رسول الله ﷺ: «انّ أشدّ الناس عذابا یوم القیامه أشدّهم عذابا للناس فی الدنیا» (أبی نعیم الاصبهانی، ۱۴۱۹: ۱۳۶/۷، احمد بن حنبل، ۱۳۰۷: ۱۴۹/۲۵).

پرهیز از فتنه انگیزی: قال رسول الله ﷺ: «اخبرنی جبرئیل علیه السلام أنّ ریح الجنة یوجد من مسیره ألف عام ما یجدها عاق... و لا جار إزاره خیلاء و لافتان و لامئان»؛ جبرئیل به من خبر داد که بوی بهشت از فاصله هزار سال به مشام می‌رسد ولی فرزند ناخلف... و کسی که از روی تکبر راه می‌رود و فتنه انگیز و منت گذار، بوی بهشت را استشمام نمی‌کنند. (بخاری، ۱۹۸۷: ۱۲۴۰ - ۱۲۳۹).

نداشتن کبر: قال رسول الله ﷺ: «ولا یدخل الجنة من كان فی قلبه مثقال حبه من کبر»؛ کسی که در دلش به اندازه ذره‌ای از تکبر وجود داشته باشد وارد بهشت نمی‌شود (احمد بن حنبل، ۱۳۰۷: ۱۳۵/۸).

نداشتن بخل، حيله گری، خیانت و بدخلقی: قال رسول الله ﷺ: «لا یدخل الجنة بخیل ولا خب و لا



خائن و لا سیئی المملکه»؛ پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «آدم بخیل و حيله گر و خائن و بدخلق وارد بهشت نمی‌شود» (همان، ۱۶/۱).

بررسی: ایمان و عمل صالح و تقوا و اخلاص و حسن خلق و رعایت قسط و عدل از مهمترین عوامل و شرایط ورود به بهشت است. از سوی دیگر، دارا بودن رذائل اخلاقی از قبیل کبر، ستم، بدخلقی، بخل، خیانت، مردم‌آزاری و فتنه‌انگیزی و... از نشانه‌های اهل دوزخ می‌باشد. بررسی عملکرد نادرست اکثریت افراد مذکور در حدیث‌نمای عشره مبشره، نشان می‌دهد که آنان فاقد شرایط و شاخصه‌های اهل بهشت هستند. و این معنا مستلزم وضع و جعلی بودن حدیث یاد شده می‌باشد.

پنج. نگاهی به عملکرد اعضا مذکور در پنداره حدیث «عشره مبشره»

ابوبکر

اسناد و مدارک تاریخی و روایی، نمایانگر اجتهادات ابوبکر می‌باشد. یکی از موارد آن، تخلف از جیش اسامه است: پیامبر اعظم ﷺ چند روز پیش از رحلتش به اسامه بن زید مأموریت داد تا با لشکری همراه بزرگان از انصار و مهاجران به سمت منطقه‌ای از شام رهسپار شود، او نیز همراه صحابه از جمله ابوبکر و عمر و سه هزار سرباز به اردوگاه بیرون مدینه رفت. و پیامبر ﷺ به منظور تشویق و ترغیب به آنان به شرکت در این نبرد فرمود: «جهزوا جیش اسامه، لعن الله من تخلف عن جیش اسامه» اما ابوبکر و گروهی دیگر به بهانه اینکه اسامه جوان است و این که حال رسول الله ﷺ مساعد نیست و ما نمی‌توانیم ایشان را به این حال و وضعیت بیماری رها کنیم و به جنگ برویم، از مشارکت در جهاد، خودداری نمودند و به مدینه برگشتند (حلبی، بی‌تا، ۲۰۸/۳ - ۲۰۷، شهرستانی، ۱۴۰۴: ۱۴/۱).

نمونه‌های دیگر از اقدامات ابوبکر عبارت است از: تخلف از فرمان رسول اکرم ﷺ (ابن اثیر، ۱۹۹۸: ۱۹/۲، ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۵: ۴۸۴/۱)، مخالفت با اعطای فدک به حضرت فاطمه زهرا ﷺ (فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۲۵/۸، بخاری، ۱۹۸۷: کتاب فرض خمس، حدیث ۳۰۹۲ تا ۳۰۹۴) مشارکت در ورود مردان به بیت حضرت زهرا ﷺ (یعقوبی، ۱۴۲۵، ۱۲۹/۲، ابوالفداء، ۱۹۹۷: ۶۴/۲) منع از نوشتن احادیث نبوی (متقی هندی، ۱۹۸۹: ۲۸۵/۱۰).

عمر بن خطاب

از معروف‌ترین اجتهادات عمر در شریعت اسلام، تحریم متعه حج و متعه نساء بود. در صحیح مسلم آمده است: ابن عباس و ابن زبیر، درباره دو متعه یاد شده اختلاف کردند، جابرین عبدالله گفت:



ما در دوران پیامبر ﷺ آن دو عمل را انجام می دادیم ولی بعدها عمر بن خطاب ما را از آن دو متعه منع نمود و دیگر انجام ندادیم. (مسلم، بی تا، ۵۹/۴)

نمونه دیگر از آن گونه اجتهادات عمر، تشریح نماز تراویح است (بخاری، ۱۹۸۷: ۳۶۲، ح ۲۰۰۹، مسلم، بی تا، ۳۴۸، ح ۱۶۶۴).

عثمان بن عفان

درباره بذل و بخشش های بی حساب عثمان بن عفان به خویشان خود، ابن ابی الحدید می نویسد: فراست عمر درباره عثمان، درست از کار درآمد. زیرا عثمان بنی امیه را بر گردن مردم مسلط ساخت و ایالت های قلمرو اسلامی را در اختیار آنان گذاشت و املاک و ضیاع و عقار فراوانی را به آنها بخشید. ارمستان در دوران او فتح شد و خمس غنائم ارمستان را گرفت، و همه را یکجا به مروان بن حکم که پسر عمویش بود، تسلیم نمود (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۱۹۸/۱ - ۱۹۹).

نمونه دیگر از عملکرد عثمان، کامل خواندن نماز در سفر بود. (احمد بن حنبل، بی تا، ۱۴۸/۲؛ مسلم، بی تا، ۳۱۹، ح ۱۴۷۵) دشنام دادن عثمان به عمار یاسر نیز در تاریخ ثبت شده است (بلاذری، ۱۹۹۶: ۴۵/۵، یعقوبی، ۱۴۲۵: ۱۵۰/۲).

طلحه بن عبیدالله

آزار و اذیت رساندن به پیامبر خدا ﷺ، و تنها و مظلوم نهادن علی علیه السلام، و نسبت قتل دادن به آن حضرت، تنها پاره ای از اعمال ناصواب و اخلاق زشت طلحه می باشد.

طلحه همان کسی است که رسول خدا ﷺ را می آزد و می گفت: اگر پیامبر خدا ﷺ بمیرد من با عایشه ازدواج می کنم. چرا که او دختر عموی من است! این سخن به گوش آن حضرت رسید و آزرده خاطر گشت. هنگامی که آیه حجاب نازل شد و زنان حجاب پوشیدن، طلحه گفت: آیا محمد ﷺ دختر عموهای ما را از ما می پوشاند و پس از ما با زنان ما ازدواج می کند؟ اگر او از دنیا برود با زنانش ازدواج خواهیم کرد (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۵۱۳/۳، قرطبی، ۱۳۶۴، ۲۲۸/۱۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۷۴/۲۲).

طلحه بن عبدالله همان فردی است که امام علی علیه السلام را تنها گذاشت و به صف یاران عثمان بن عفان پیوست. محمد عبده می نویسد: «طلحه به عثمان بسیار علاقه داشت چرا که میان آن دو چند پیوند خویشاوندی وجود داشت و در گرایش او به عثمان همان دشمنیش با علی کافی است. زیرا طلحه از قبیله ی تمیم بود، و بنی هاشم و بنی تمیم از یکدیگر، ناراضی و ناراحت بودند. چون ابوبکر از میان آنها خلیفه شده بود» (محمد عبده، بی تا، ۱۸۸/۱ - ۱۸۷، طبری، بی تا، ۴۰۵/۴)



همچنین طلحه، علی رضی الله عنهما را قاتل عثمان بن عفان می‌خواند (یعقوبی: ۱۴۲۵: ۱۸۰/۱).

زبیر بن عوام

بیعت شکنی، شرکت در جنایات بصره، خیانت به علی رضی الله عنه، برخی از عملکرد نادرست زبیر است که با بهشتی معرفی کردن او نا سازگار می‌باشد.

بیعت شکنی زبیر با علی رضی الله عنه (یعقوبی، ۱۴۲۵: ۱۸۰/۱؛ سیوطی، ۱۹۸۵: ۲۰۷/۲) از مسلمات تاریخ است. وی در جنایات بصره نیز شریک بود، جنایتکاران بصره بیش از هفتاد تن از پاسداران شهر را به قتل رساندند و به غارت بیت المال مسلمانان پرداختند. در تاریخ آورده‌اند که آن جنایتکاران با والی بصره (عثمان بن حنیف) پیمان بستند که تا هنگام آمدن علی رضی الله عنه احترام او را حفظ کنند ولی بعد آن را نقض کردند و هنگامی که عثمان بن حنیف با مردم نماز عشا می‌خواند، بر آن‌ها هجوم برده و همه را به قتل رساندند. البته عثمان بن حنیف را زندانی کرده و تا می‌توانستند او را شکنجه نمودند. زبیر در تمام این جنایات، شرکت داشت (طبری، ۱۹۵۳: ۱۸/۳ - ۱۷).

سعد بن ابی وقاص

خودداری کردن از بیعت با علی رضی الله عنه، بیعت کردن با ابوبکر و عثمان، پاره‌ای از خیانت‌های سعد بن ابی وقاص است.

درباره بیعت کردن سعد با ابوبکر، ابن قطیبه چنین نقل می‌کند: پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله، بنی زهره نزد سعد بن ابی وقاص و عبدالرحمان بن عوف گرد آمدند. همگی در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که ابوبکر و ابو عبیده نیز رسیدند. عمر بن خطاب به آنان چنین خطاب کرد: چرا می‌بینم که شما در حلقات مختلفی جمع شده‌اید؟! برخیزید و با ابوبکر بیعت نمایید همانگونه که من و انصار با وی بیعت کرده‌ایم. سعد و رحمان و دوستانشان از بنی زهره برخاستند و بیعت کردند. (ابن قتیبیه، ۱۹۶۷: ۱۸/۱) سعد با عثمان بیعت کرد و بدون هیچ قید و شرطی از او پشتیبانی و دفاع نمود و شنید عبدالرحمان بن عوف بر فراز سر مبارک علی رضی الله عنه شمشیر نگه داشته و می‌گفت درباره خود بهانه‌ای برای ما نگذار که جز شمشیر، چیزی مشاهده نخواهید کرد (همو، ۳۱).

سعد از بیعت نمودن با علی رضی الله عنه خودداری ورزید با وجود آنکه به حقانیت آن حضرت، واقف و آگاه بود (ابن اعثم، بی تا، ۲۵۸/۲).

عبدالرحمان بن عوف

توطئه عبدالرحمن ابن عوف برای برکناری علی رضی الله عنه از خلافت: عبدالرحمان نقش مهمی در جدا



ساختن علی علیه السلام از خلافت داشت، چون شرط کرد که باید سنت ابوبکر و عمر استوار و مستمر بماند و می دانست که علی علیه السلام هرگز چنین شرطی را نمی پذیرد؛ این ثابت می کند که عبدالرحمان برای حفظ بدعت های جاهلیت، تعصب می ورزید. و از سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دور بود. و در توطئه بزرگ بر ضد خاندان پاک آن حضرت و نگهداشتن خلافت در قریش مشارکت فعالی داشت، تا آن ها هر چه می خواهند با خلافت انجام دهد. در صحیح بخاری در این باره، چنین گزارش شده است: مصور گفت: عبدالرحمان، در شب پس از یک خواب، به سراغ من آمد و در خانه را زد تا اینکه من بیدار شدم گفت میببینم خوابیده ای به خدا سوگند امشب خواب به چشمانم راه نیافت. برو زیور و سعد را بیاور تا با آن ها به شور و مشورت پردازم من آن دو را فرا خواندم و با آن ها مشورت نمود. و آنگاه گفت علی را نیز صدا بزن، او را نیز خواندم، با او نیز درگوشی سخن گفت تا پاسی از شب گذشت، سپس علی از نزد او برخاست در حالی که هنوز می خواست علی را نگه دارد؛ عبدالرحمان به خاطر چیزی از علی می ترسید سپس گفت: عثمان را فرا خوانید، او را هم صدا زدم و با او هم درگوشی بسیار سخن گفت تا آنکه با صدای موذن آن دو از هم جدا شدند. هنگامی که مردم نماز صبح را خواندند، آن گروه نزدیک منبر گرد هم آمدند. او به دنبال مهاجر و انصاری که در شهر بودن، فرستاد و فرماندهان سپاه را نیز فرا خواند در آن سال که آن ها نیز به همراه مورد خطاب به حج آمده بودند موقعی که تمام آن ها جمع شدند، عبدالرحمان با ذکر شهادتین گفت: ای علی! من در کار مردم نگرستم و متوجه شدم که کسی را جز عثمان نمی پذیرند، پس بهانه ای بر ضد خودت به دست کسی نده سپس رو به اسمان کرد و گفت: من با تو بر اساس سنت خدا و پیامبر و شیوه دو خلیفه پس از او، بیعت می کنم. عبدالرحمان و مردم و فرماندهان سپاه با عثمان بیعت نمودند. (بخاری، ۱۹۸۷: ۱۲۳/۸)

ابوعبیده بن جراح

وی از کسانی بود که صحیفه را به وجود آوردند بر اساس گزارشات تاریخی پس از رحلت رسول خدا گروه انصار به نزد سعد بن عباده رفته و او را به سقیفه بنی ساعده آوردند و عمر نیز پس از آگاهی از این ماجرا و مذاکره با ابوبکر همراه ابوعبیده جراح همگی سقیفه آمدند (ابن هشام، ۱۹۹۹: ۳۳۵/۴؛ طبری، بی تا، ۲/۴۵۵) و در آنجا جماعت فراوانی گرد هم آمده، و سعد به علت بیماری در میان نشان بستری بود و محور اصلی سخنان آنان مسئله خلافت و امارت بود: هر کدام حرفی زدند تا آنکه نوبت به ابوبکر رسید و پس از سخنانی در پایان به انصار گفت: من شما را فقط به عمر یا ابوعبیده دعوت می نمایم هر که را برگزینید من موافقم؛ عمر و ابوبکر گفتند شایسته نیست که ما از تو پیشی بگیریم چرا



که تو از هر لحاظ بر ما مقدمی، (یعقوبی، ۱۴۲۵: ۱۰۳/۲) سرانجام همگی به سوی ابوبکر هجوم آورده و با او بیعت نمودند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۳۷: ۶/۶).

سعید بن زید

حدیث عشره مبشره، بر اساس دلایلی که ذکر کردید از جمله دروغ‌هایی است که سعید بن زید به پیامبر نسبت داده و طبق حدیث معروف نبوی «من کذب علی متعمدا فلیتبوأ مقعدتا من النار» وی اهل دوزخ است. (احمد بن حنبل، بی‌تا، ۲۸/۳؛ بیهقی، ۱۳۴۴: ۷۲/۴؛ نسائی، بی‌تا، ۴۵۸/۳)

نتیجه

- حدیث «عشره مبشره» صرفاً در گفتمان حدیثی اهل سنت مطرح شده و میراث روایی شیعی، فاقد چنین پنداره‌ای است. این نشان می‌دهد که چنین حدیثی در یک بستر جدلی - سیاسی مطرح شده و مذاهب اسلامی اختلاف جدی در صدور آن از رسول خدا ﷺ دارند.
- از تاخیر دیر هنگام شهرت این حدیث در تاریخ حدیث اهل سنت فهمیده میشود که نزد محدثان جامع نگر قرن دوم هجری این انگاره شناخته شده نبوده است یا به دلایلی از جمله جعل، آن را شایسته نقل ندانستند.
- وجود افرادی ضعیف و غیر ثقه در زنجیره سند این حدیث، از قبیل عبدالعزیز بن محمد در آوردی، عبدالله ابن ظالم، عبدالله بن زیاد عبدی بصری، هشام بن عمار و... حاکی از جعلی و موضوعه بودن چنین حدیثی است.
- حدیث یاد شده از لحاظ متن نیز مضطرب است؛ زیرا در برخی از اقوال، ابو عبیده بن جراح از جمله ده نفر شمرده شده، در برخی به ابن مسعود بشارت داده شده است. در نقلی دیگر به جای این دو نفر، نام پیامبر اکرم ﷺ دیده می‌شود.
- وجود اختلاف‌ها و نزاع‌ها در میان این ده نفر که به بهشت بشارت داده شده‌اند، حاکی از جعلی بودن حدیث است.
- بر اساس روایات معتبر اسلامی، ایمان و عمل صالح و تقوا و اخلاص و حسن خلق از مهمترین عوامل ورود به بهشت می‌باشد، و دارا بودن رذائل اخلاقی از قبیل کبر و ستم و بدخلقی، فتنه‌انگیزی، مردم‌آزاری و... از نشانه‌های اهل دوزخ است و حال آنکه عملکرد سوء برخی افراد مذکور در حدیث «عشره مبشره» نشان می‌دهد که هیچگونه تناسب و سنخیتی با اهل بهشت



ندارند.

- بعضی از آن‌ها نسبت به حضرت زهرا علیها السلام بی احترامی نمودند. طلحه و زبیر علیه امام علی علیه السلام خروج کرده و جنگ بزرگ جمل را با پیامدهای شوم آن راه انداختند ابو عبیده بن جراح یکی از عاملان و مدافعان اختلاف بزرگ سقیفه بود. سعد بن ابی وقاص از بیعت با علی خودداری نمود و... انصافا کدام یک از این گونه افراد شایستگی این را دارد که اهلیت ورود به بهشت الهی را یافته و با پیامبر اکرم به آنان بشارت بهشت را داده باشد؟!!

پی نوشت:

- (۱) برخی گفته‌اند که در ۱۳ سالگی سفر خود را آغاز کرد (ذهبی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۷، ص ۱۶۳).
- گفته شده که در مجموع از ۲۰۰۰ شیخ سماع کرد (ابن قاضی شهبه، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۳؛ ابن خلکان، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۸۱).
- (۲) برخی گفته‌اند که حاکم قضاوت شهر «نسا» را برعهده گرفت و مورخان به اشتباه آن را نیشابور ثبت کرده‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ص ۳۴).
- (۳) از جمله کتاب‌ها، کتاب تواریخ المتقدمین من الانبیاء والمرسلین است که علاوه بر ذکر مقدمه‌ای از احادیث در ذکر خلقت آدم و جهان، احادیثی درباره ۲۲ تن از انبیا دارد: حضرت نوح، ادریس، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، لوط، هود، صالح، شعیب، یعقوب، یوسف، موسی، هارون، ایوب، الیاس، یونس، داود، سلیمان، زکریا، یحیی، عیسی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۳۷ش.
۳. ابن اعثم کوفی، احمد، الفتوح، بیروت: دارالندوة الجدیدة، بی تا.
۴. ابن حبان، الثقات، محمد، بیروت: دارالفکر ۱۹۷۵م.
۵. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۳۹۳ق.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، التهذیب، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ق.
۷. همو، شرح نخبة الفكر فی مصطلحه اهل الاثر، القاهرة، بی تا، ۱۳۵۲ق.
۸. ابن حنبل، احمد، مسند، قاهره، بی تا، ۱۳۰۷ق.
۹. ابن ماجد، محمد بن یزید القزوی، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، ایسا الحلبي، بی تا.
۱۰. ابن حجاج نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، منشورات بیضون، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۱۲. ابن قطیب، ابی محمد عبدالله بن مسلم، الامامه و السیاسه، قاهره: موسسه الحلبي، ۱۹۶۷م.
۱۳. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، المكتبة العصریه، بیروت: ۱۹۹۹م.
۱۴. ابی داوود، سلیمان، سنن تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، دارالاحیاء السنن و النبویه، بی تا.
۱۵. ابونعیم، الاصبهانی، احمد بن عبدالله، معرفة الصحابه، الرياض: دارالوطن، ۱۴۱۹ق.
۱۶. البغوی، حسین بن مسعود، تفسیر معالم التنزیل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۷. بیهقی، احمد بن حسین بن علی بن موسی، السنن الکبری، حیدرآباد، بی تا، ۱۳۴۴ق.
۱۸. بداوی، قرآنی طلب، جزیل المنه، فی سیره المبشرین بالجنة، قاهره: مکتبه و مطبعه محمد علی سهیل، ۱۹۷۴م.
۱۹. بخاری، ابن اسماعیل، الصحیح، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۹۸۷م.
۲۰. بلاذری، احمد بن یحیی، دارالفکر، بیروت: انساب الاشراف، ۱۹۹۶م.
۲۱. ترمذی، عیسی بن محمد، سنن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۰م.



٢٢. حلبى، احمدبن برهان الدين، السيرة الحلبية، بيروت: دار احياء التراث العربى، بى تا.
٢٣. ذهبى، محمد بن احمد، ميزان الاعتدال، بيروت: دارالفكر، ١٩٩٩م.
٢٤. سيوطى، جلال الدين، الخصائص، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٩٨٥م.
٢٥. سيوطى، جلال الدين، التدريب (تدريب الراوى شرح تقريب النواوى)، مصر، بى تا، ١٣٠٧ق.
٢٦. شهرستانى، ابوالفتح، الملل و النحل، بيروت: دارالمعرفة، ١٤٠٤ق.
٢٧. صفدى، صلاح، الوافى بالوفيات، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٣٨١ق.
٢٨. طبرانى، سليمان، المعجم الاوسط، قاهره: دارالحرمين، ١٤١٥ق.
٢٩. طبرى، محب الدين، الرياض النظره فى مناقب العشره، قاهره: المكتبة الاسلامية، ١٩٥٣م.
٣٠. عظيم اف، راميل، بررسى حديث عشره مبشره از منظر فريقيين، پاين نامه كارشناسى ارشد، قم: جامعه المصطفى العالمية، ١٣٩٠ش.
٣١. عبده، محمد، شرح نهج البلاغه، قاهره: مطبعة الاستقامة، بى تا.
٣٢. فخرالدين رازى، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٢٠ق.
٣٣. قرطبى، محمد بن احمد، تفسير الجامع الاحكام، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ١٣٦٤ش.
٣٤. متقى هندی، على، كنز العمال، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٩٨٩م.
٣٥. نسائى، احمد، السنن الكبرى، بيروت: دارالكتب العلمية، بى تا.
٣٦. نيسابورى، حاكم، المستدرک على الصحيحين، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٣٤٤ق.
٣٧. همو، معرفت علوم الحديث، القاهره: نشر الدكتور معظم حسين، ١٩٣٧م.
٣٨. يعقوبى، احمد، تاريخ، قم: المكتبة الحيدرية، ١٤٢٥ق.